

بررسی حق الاختصاص در خرید و فروش سگ های تزئینی و حکم ثانوی نگهداری آن

مسعود بندار^۱

چکیده:

سگ های تزئینی امروزه در جامعه اسلامی دیده می شود. این امر احکام فقهی مختلفی را از حیث طهارت و نجاست و خرید و فروش و نگهداری آن در پی دارد. حکم نجاست آن که نص کتابی است و صحبتی در آن نیست. حکم نگهداری از آن، به تبع خرید و فروش نیز به حکم اولی مباح است تا زمانی که موجب اضرار یا مفسده ای نباشد ولی در این نوشتار با توجه به احکام خاص نگهداری این حیوان در خانه و شرایط زندگی آپارتمانی و شهری، حکم خرید و فروش آن نیز دو حیث فردی و اجتماعی پیدا می کند. ممکن است حکم شرعی آن ابتدائاً جواز پنداشته شود ولی در حکم ثانوی آن، با توجه به مفسدی که از جهت اضرار یا ترس دیگران و یا مزاحمت های صوتی و یا حتی نجس شدن مکان های عمومی و مانند آن از باب مصالح و مفسد کلی جامعه خرید و فروش آن جایز نباشد. این نوشتار به صورت جواهری ابتدا موضوع را منقح نموده که پنداشته نشود این نوع سگ مانند هراش و ولگرد است و نوع دیگری است و تمام مدارک و مستندات که میتواند این خرید و فروش آن را مجاز کند مورد بررسی و نقاش قرار گرفته است. نهایتاً ثابت شد حکم اولی خرید و فروش این نوع سگ ها جایز ولی حکم ثانوی آن حرمت و عدم جواز معامله است.

کلیدواژه ها: سگ های تزئینی - حق الاختصاص - منفعت عقلائیه - سیره های

مستحدث - مصالح و مفسد



شماره سوم
پاییز و زمستان

۱۴۰۲

^۱. پژوهشگر و مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم.

مقدمه

مهم ترین چالشی که سگ های تزئینی یا خانگی دارند این است که در کدام قسم از اقسام چهار گانه سگ هایی که در فقه مطرح شده قرار می گیرد یا اساسا این نوع موجودات سگ هستند یا نیستند؟ بر این اساس اقسام سگ مطرح می شود و آنچه که در مظان آن قرار دارد که از انواع سگ ولگرد یا کلب الهراش باشد بررسی می شود می شود تا دیده شود آیا سگ تزئینی سگ ولگرد است و یا قسمی جدید خواهد بود. آنچه حکم شرعی را دایره مدار خود قرار داده است، منافع این نوع از نجاسات هست، منفعی مانند آرامش گرفتن و انس گرفتن یا سگ گردانی به جهت مواظبت یا لذت شخصی یا موانست و اغراضی از این قبیل که مورد بحث است آیا می تواند از منافع شمرده شود تا حکم عدم جواز بیع آن را تغییر دهد؟ در پژوهش ها بعضا آثار اجتماعی و ابعاد آن مطرح شده است ولی حکم خرید و فروش و نگهداری آن با توجه به عناصری چون منافع عقلانی و سیره های مستحدث و بررسی حق الاختصاص در آن و با رویکرد کلی مسئله دیده نمی شود و در این پژوهش سعی شده است با نگاهی متفاوت بدان پرداخته شود.

در این نوشتار ابتدا موضوع شناسی کرده و مسئله را از حیث اصل اولی و ثانوی پیگیری خواهیم کرد:

تبیین ماهیت کلب الهراش در لغت و اصطلاح

سگ را از جهت حکم به چهار قسم می توان تقسیم شده است:

سگ شکاری

سگ گله

سگ نگهبان زراعت و خانه

سگ ولگرد یا هراش

سگ از جهت موضوع به انواع مختلفی تقسیم می شود که تحت این چهار عنوان قرار می گیرد. چون ممکن است نژاد خاصی باشد، اما مهم حکم آن است. حکم این سگ ها از جهت نجاست بحثی نیست چراکه نجاست آنها اجماعی بوده؛ بلکه ارتکاز و تسالم در آن وجود دارد، تا آنجا که فرموده اند: اگر سگ شکاری حیوانی را گرفت حلال است و تزکیه شده است، ولی محل گاز گرفتنش را باید بشوید. (ر.ک: طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۱، ص ۲۲۹) آنچه مهم است معنای چهارم سگ است، از این جهت که در جامعه سگ های زینتی به فروش می رسد. آیا راهی برای تصحیح معامله آنها وجود دارد؟ یا ملحق به سگ ولگرد هستند و معامله آنها باطل است؟

بررسی معنای لغوی کلب الهراش

در لغت هراش به معنای جنگ و به جان هم انداختن آمده است و به سگ ها مثال زده شده است. سگ های تربیت نشده عموماً چنین هستند وحشی هستند و به جان یکدیگر می افتند و یا به انسان ها صدمه می زنند.

کلمات اهل لغت چنین است:

در کتاب العین آمده است:

هرش: رجل هَرَشٌ، أی: مَائِقٌ جَافٌ. وَ الْمُهَارَشَةُ فِي الْكِلَابِ وَ نَحْوِهَا كَالْمَخَارَشَةِ، وَ يُقَالُ: هَارَشَ بَيْنَ الْكِلَابِ. (کتاب العین؛ ج ۳، ص: ۳۹۹) هرش یعنی بد اخلاقی مثلاً می گویند مرد بد اخلاق است و اخلاقش خشک است و در مورد سگان را به جان هم انداختن است و مثل همان خراش انداختن است و برای همین می گویند بین سگان به جان هم افتادند.



همین تعبیر در المحيط آمده است: «هرش: رَجُلٌ هَرَشٌ: مائِقٌ جاف، و المَهَارَشَةُ بَينَ الكِلَابِ و نحوها: كالمُحَارَشَةِ». (المحيط فى اللغة؛ ج ۳، ص: ۳۹۱)

در صحاح آمده است: «الهَرَّاشُ: المَهَارَشَةُ بالكِلاب، و هو تحريش بعضها على بعض. (الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربية؛ ج ۳، ص: ۱۰۲۷.) هراش به جان هم انداختن در سگان است که به جان هم انداختن بعضی به بعض است.

بقیه لغویین نیز همین تعریف را مطرح نموده اند. (رک: معجم مقانیس اللغة؛ ج ۶، ص: ۴۶؛ النهاية فى غريب الحديث و الأثر؛ ج ۵، ص: ۲۶۰؛ لسان العرب؛ ج ۶، ص: ۳۶۳؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ ج ۹، ص: ۲۲۹.)

تبیین معنای اصطلاحی کلب الهراش

فقه‌ها در فقه به صورت جدی به تبیین این قسم نپرداخته اند:

مرحوم محقق اردبیلی از کلب هراش چنین تعبیر می کند، در روایت که آمده است پول سگ سحت است، مراد سگ هراشی است که نفعی در او نیست غیر از سگ های چهارگانه که نفع دارند. (اردبیلی، ۱۴۰۳ هـ ق، مجمع الفائدة و البرهان فى شرح إرشاد الأذهان؛ ج ۸، ص: ۳۷.)

مرحوم صاحب جواهر در مورد حکم جواز سگ ها بحثی را مطرح می کند و اساسا جواز بیع را به منفعت داشتن می داند و بحث را در مورد سگ های چهارگانه پیگیری می کند و در انتها به این نکته اشاره می کنند گرچه تعداد سگ های خارج شده از حکم عدم جواز بیشتر از افراد داخل در تحت عنوان خواهد بود و لذا افرادی که تحت عموم عدم جواز باقی می ماند سگ هراش است و سگی است که منفعت ندارد.

دو نکته در کلام ایشان وجود دارد:

۱. تخصیص اکثر عنوانی را ایشان اشکال نمی داند و تخصیص اکثر افرادی است که مانع دارد. بنابراین اینکه افراد زیادی از تحت عام خارج شده اند به جهت عناوین سگ حارس و صید و گله است که افراد زیادی را در بر می گیرد.

۲. وی سگ هراش را غیر از سگ بدون منفعت معرفی می کند، ظاهراً ایشان همان سگ وحشی که تربیت نشده است را اراده کرده است. نجفی، بی تا، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۲۲، ص: ۱۴۳.

بیان مرحوم شیخ انصاری در مورد سگ ها

وقتی به عبارت مرحوم شیخ می نگریم این نکته به وضوح دیده می شود که در مورد سگ هایی غیر از هراش مانند شکاری و نگهبان و گله حکم به جواز بیع می کند، اختصاص حکم جواز را به جهت منفعت موجود در این سگ ها می داند و در ابتدا سگ هراش را جدا می کند مشعر به این نکته است که کلب هراش منفعت نداشته لذا معامله آن صحیح نیست. (ر.ک: أنصاری، کتاب المکاسب ج ۱، ص ۵۱ [المسألة] الثانية يجوز المعاوضة على غیر کلب الهراش فی الجملة).

مرحوم موسوی قزوینی در ینابیع الاحکام می نگارد، مراد از سحت در مورد ثمن سگ ها هراش است که تعبیر به عقور از آن شده است به معنای جرح چون مانند حیوانات درنده جراحت وارد می کند و مثل شیر و گرگ وحشی است ولی سگ های چهار گانه مانند سگ شکاری و گله و زرع و نگهبان جدا شده است و حکمی دیگر دارد. (قزوینی، سید علی موسوی، ۱۴۲۴ هـ.ق، ینابیع الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام، ج ۲، ص: ۹۵-۹۶).



مرحوم شیرازی در ایصال الطالب چنین توضیح می دهد: (منفعت از سگ ولگرد حرام است) که با امثال خودش نزاع می کند و فایده ای در آن نیست. (شیرازی سید محمد، ایصال الطالب إلى المكاسب، ج ۱، ص: ۸۰)

مرحوم آیه الله فاضل لنکرانی در خصوص کلب الهراش معتقد است: مصداق حقیقی در نفیی که در شرع صورت گرفته است در کلب هراش است که هیچ فایده ای ندارد. در مورد غربی ها می بینیم که با سگ زندگی می کنند و در منازل هست و در رختخواب می آید و مواد غذایی خاصی برایش می خرنند و حمام می برند که متأسفانه این فرهنگ وارد جوامع اسلامی شده است و شاید دست استکبار پشت آن باشد که به دنبال از بین بردن فرهنگ اسلامی است. (لنکرانی، محمد فاضل موحدی، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - المكاسب المحرمة، ص: ۳۵)

آیه الله مکارم می نویسد: سگ هراش هیچ منفعتی محله و مقصوده ندارد گرچه هراش در لغت به معنای بد اخلاق و یا در مورد گزندگان هم این تعبیر می شود. (أنوار الفقهاء - کتاب التجارة (لمکارم)؛ ص: ۶۰).

به نظر می رسد؛

باتوجه به تعبیر لغوین و فهم فقها می توان گفت هراش سگ وحشی است و از اینکه هراش در مقابل صید و زرع قرار گرفته است مراد می تواند سگ ولگرد یا وحشی باشد که منفعتی عقلائی ندارد تا از آن استفاده کند.

بنابراین سگ هراش باید چند خصوصیت داشته باشد:

۱. وحشی باشد.
۲. چیزی آموخته نباشد تا منفعت داشته باشد.
۳. ولگرد است و مکان مشخصی ندارد.

۴. به جهت بدون مالک بودن و ولگرد بودن از اضافات غذا ها و یا مزبله ها غذای خود را پیدا می کند و با توجه به اینکه مدام در مزبله ها به دنبال غذا است، به شدت کثیر و میکروبی خواهد بود. در سگ های تزئینی این نکات دیده نمی شود. اما نکته اول، وحشی و درنده نیستند. خطری برای صاحب خود و یا افراد دیگر از این حیث ندارد.

نکته دوم نیز وجود ندارد چراکه برخی امور را فرا گرفته اند گرچه نگهداری و همراهی با گله و مقابله با گرگ را نیاموخته اند، ولی با توپ بازی کردن و یا اموری دیگر که مایه مسرت صاحبش است را ممکن است بلد باشد. حتی اگر چیزی هم نیاموخته باشد منفعت عقلائیه دارد و اگر منفعت نمی داشت مورد معامله قرار نمی گرفت. ممکن است در صغری تشکیک شود که این منفعت وهمی است و مسرت و خوشحالی که مورد تایید اسلام باشد نیست ولی به هر حال برای عده ای که از عقلاء منفعت است، مگر آنکه بگوییم اینها از عقلاء نیستند که این اشکال علمی نبوده و احساسی و عرقی و مذهبی است.

شایان ذکر است برای سگ گردانی و نگهداری سگ در خانه منافی دیگر مانند حراست از خانه و صاحبش نیز وجود دارد. برخی سالمندان سگ ها را نگهداری می کنند تا مواقعی که خطری برای آنها ایجاد شد و یا حالشان بد شد پارس کرده و دیگران را با خبر سازند این نوع سگ گردانی ها و یا نگهداری ها روشن است مانند سگ حارس و نگهدارنده و با اینکه زینتی شمرده شاید بشوند ولی در حکم هراش نخواهند بود. البته در مورد سگ های تزئینی با توجه به نژاد آنها این خاصیت در آنها وجود ندارد و نوعا از سگ های بزرگ استفاده می شود.



نکته سوم نیز وجود ندارد چراکه ولگرد نیست و مکان مشخص دارد.
نکته چهارم نیز غذای های مشخص و عموماً سالم می خورد و هزینه
هایی برای غذای خاص آنها می شود که در ادامه هزینه های آن بررسی فقهی
خواهد شد.

این حیوانات به حمام می روند و واکسن می خورند و میکروب هایی که
سگ های ولگرد دارند را ندارند، ولی ممکن است میکروبی در ذات بدنشان
باشد که در همه سگ ها و لو نگهبان نیز ممکن است باشد که باعث نمی
شود بدون منفعت یا مضر تلقی شود و با آموزش و یا واکسن ممکن است بر
طرف شود.

بنابراین باید به اقسام چهار گانه سگ ها قسمی جدید را اضافه نمود و آن
هم سگ های تزئینی است. باید دید در مورد این قسم از سگ ها حکمی بر
جواز یا منع فروش پیدا نمود یا خیر؟ از طرفی حکم خرید فروش این نوع
سگ ها که در زمان تشریع نبوده اند تا مورد سؤال واقع شوند، از بعد فردی
باید دیده شود یا از نگاه اجتماعی نیز باید مورد لحاظ قرار گیرد؟

واضح است که این نوع از سگ ها حکم نجاست را برخوردار هستند.

ماهیت سگ های تزئینی و تفاوت آن با گربه سان ها

سؤال اساسی در این مقوله این است که آیا این سگ های از خانواده
سگسان ها هستند یا گربه سان ها شمرده می شوند؟

خصوصیاتی سگ ها دارند که باعث می شود این موجودات را گرچه
ظاهراً با یکدیگر تفاوت دارند ولی باز از خانواده سگ ها شمرده می شود.

این خصوصیات چنین است:

سگ ها عموماً تنفس سریع دارند به این جهت که بدن خود را سرد نگه دارند و گردش خون سریع اتفاق بیافتد.

سگ ها بویایی قوی دارند.

سگ ها کف دست و ناخن هایی متفاوت از گربه ها دارند.

دهان و دندان های سگ متفاوت از گربه است.

صدای سگ و گربه متفاوت است.

در مقابل گربه ها نیز خصوصیات مختص به خود دارند به عنوان مثال بینی گربه ها به مثابه اثر انگشت انسان است و هر گربه ای بینی مختص به خود دارد.

به انسان اصلاً تکیه نمی کند و رام انسان نمی شود و حس عاطفه ندارد.

گربه ها هرگز گم نمی شوند و جهت یابی قوی دارند.

گوش گربه خاص است و ۳۲ عضله دارد و ۱۸۰ درجه می چرخد.

چشمان گربه و طرز نگاه جسورانه ای که برای دفع دشمن دارد از مختصات اوست.

مخفی کردن مدفوع از ویژگی های این حیوان است به خلاف سگ.

این خصوصیات سبب می شود که اگر در حیوانی شک شود که سگ است

یا گربه از هم ممتاز شوند و سگ های کوچک زینتی گربه شمرده نشوند.

بنابراین این قسم از حیوانات قطعاً سگ بوده و باید حکم آن از حیث خرید و

فروش و نگهداری روشن شود.

تبیین حکم اولی مسئله بر اساس منفعت ها

قبل از اینکه به ادله جواز و منع از فروش سگ ها پردازیم سزاوار است

اصل اولی در معاملات سگ ها را بررسی کنیم.



حکم اولی در سگ ها

سگ های به جهت نجس بودن ممکن است حکم اولی آنها عدم جواز بیع باشد ولی از آنجایی که حکم جواز و عدم جواز بیع همانطور که مرحوم شیخ در باب محرمات مکاسب به اعلی صوت خود می فرماید: دائر مدار طهارت و نجاست نبوده و دائر مدار منفعت است. بر این اساس نمی توان گفت حکم اولی در خرید و فروش سگ ها را عدم جواز است. روایت تحف العقول نیز نمی تواند مستند باشد چراکه غیر از اشکال سندی، تخصیص فصول به منفعت را نیز دارد و این گواه بر فرمایش مرحوم شیخ است که حکم جواز و عدم جواز بیع منفعت است نه طهارت و نجاست.

اگر به لحاظ جعل بخواهیم در نظر بگیریم که شارع مقدس ابتدا حکم سگ ها را نجاست جعل نموده است و سپس سه نوع را استثناء کرده است. این نیز اثباتش مشکل است چراکه ما لسان خطابی که داریم در غالب روایات است نمی توان اثبات نمود که شارع نیز همانگونه جعل نموده است. ممکن است شارع حکم جواز بیع را مطلق جعل کرده باشد و تنها کلب الهراش را استثناء کرده باشد. تلقی مانند مرحوم صاحب وسائل چنین است لذا عنوان باب را چنین نوشته است: «بَابُ تَحْرِيمِ بَيْعِ الْكِلَابِ إِلَّا كَلْبَ الصَّيْدِ وَ كَلْبَ الْمَاشِيَةِ وَ الْحَائِطِ وَ جَوَازَ بَيْعِ الْهَرِّ وَ الدَّوَابِّ». (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص: ۱۱۸). اما وقتی روایات باب را نگاه می کنیم می بینیم عموماً سؤال از سگی شده است که صید نمی کند.

در نتیجه دو اصل باقی می ماند اصل فساد در عقود و اصل اباحه در اشیاء که مخصص اصل فساد در عقود است. اصل فساد در عقود گرچه تقاریب مختلفی دارد؛ اما مهم اصل مطلب است که اصل در معاملات فساد است؛ از طرفی لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض و لایحل

بررسی حق الاختصاص
در خرید و فروش سگ های تزئینی
و حکم ثانوی نگهداری آن

مال امرء مسلم الا بطیب نفسہ، دال بر اباحه در اشیاء است که مخصص آن اصل فساد خواهد بود. در مورد سگ های تزئینی شک داریم، به جهت منافع عقلائی که دارد، داخل در مخصص اباحه است یا داخل در عامی که است که دال بر فساد است.

تسری اجمال مخصص به عام

در علم اصول بحث شده است که اجمال مخصص به عام سرایت می کند یا خیر؟ دو نظریه وجود دارد: عده معتقد هستند سرایت نکرده و مرجع عام است و مخل به ظهور عام نیست و در خصوص سگ های تزئینی باید به اصل اباحه در عقود مراجعه نمود؛ اما بنابر نظر صحیح که سرایت و اجمال عام است، دیگر اصل اباحه مرجع نیست چون شمولش نیز مشکوک است و لذا به اصل اولی که فساد در عقود است باید رجوع نمود و قائل به این شد که اصل اولی در معاملات سگ های تزئینی فساد معامله است.

اما بنابر اینکه مطرح شد این سگ ها هراش و ولگرد نیستند داخل در مخصص صحت بیع هستند چون غرض عقلائی در آنها متصور است و برای تزئین و یا تفریح و سرور و مسرت مورد استفاده قرار می گیرند. لذا باید در ضمره سگ هایی قرار بگیرند که غرض عقلائی دارند و مانند سگ نگهبان و گله است.

بررسی ادله صحت معاوضه سگ های تزئینی

اثبات شد اصل اولی در معاوضه این نوع سگ ها بطلان نمی تواند باشد و عمومات صحت بیع شامل این موارد است و تخصیصاتی که در روایات در خصوص سگ های قابل استفاده مطرح شده است شامل این موارد نیز می



شود؛ اما غیر از عموماً می توان به ادله ای خاص برای صحت معاوضه این سگ ها تمسک جست.

دلیل اول: منفعت عقلائیه نگهداری از سگ های تزئینی

همان طور که اشاره شد، حکم جواز بیع دایر مدار منفعت عقلائیه است نه طهارت و نجاست. بیان شد که نزاع در صغری صحیح نیست گرچه دغدغه برخی از بزرگان بوده مانند مرحوم آیه الله فاضل بوده است که این فرهنگ اسلامی نیست و نباید رواج پیدا کند ولی چه کنیم که رواج پیدا کرده است و مطالب فرهنگی آن را باید در جایی غیر از فقه مطرح نمود. دانش فقه از جواز و عدم جواز بحث می کند مسائل فرهنگی را در غالب مقاصد شریعت باید پیگیری نمود که در ادامه مطرح خواهد شد.

شایان ذکر است مراد از عقلاء فارغ از دین است و الا به سیره متشرعه باید استدلال می شد که در در بحث معاملات سیره متشرعه ملاک نیست و عقلاء با هر دین و شریعتی ملاک هستند. هرچه عقلاء برایش منفعت محله تصور نمودند می توان آن را خرید و فروخت، مگر اینکه دلیل نهی صریح از جانب شارع بیاید و این سیرع عقلاء را ردع کند. این سیره عقلاء می تواند ادله فساد در عقود را تخصیص بزند.

بررسی حق الاختصاص
در خرید و فروش سگ های تزئینی
و حکم ثانوی نگهداری آن

۱. با توجه به اینکه مرحوم شیخ این نکته را بارها اشاره می کنند و عبارت هایی بر این مطلب می آورند از ذکر آنها خوداری کرده و به بحث دهن متنجس مکاسب احاله می گردد. ر.ک: کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحدیثه)، ج ۱، ص: ۹۴-۹۷.

ردع از سیره

روایات فراوانی وجود دارد که نهی از نگهداری از سگ می کنند و معامله آنها را نیز نفی کرده اند وقتی به تمام این روایات می نگریم به این نکته پی می بریم که این سیره مورد رضایت شارع مقدس نبوده و ردع شده است.

روایات ناهی از نگهداری سگ را مرحوم صاحب وسائل تحت عنوان بابی جمع آوری نموده است « ۳۳ بَابُ كَرَاهَةِ الصَّلَاةِ فِي بَيْتٍ فِيهِ كَلْبٌ أَوْ تَمَثَالٌ أَوْ إِنَاءٌ يُبَالُ فِيهِ وَفِي دَارٍ فِيهَا كَلْبٌ إِلَّا أَنْ يَكُونَ كَلْبَ صَيْدٍ وَيُعْلَقُ دُونَهُ الْبَابُ » (وسائل الشیعه، ج ۵، ص: ۱۷۴).

مرحوم صاحب وسائل بابی در این خصوص مطرح کرده اند تحت عنوان « ۱۴ بَابُ تَحْرِيمِ بَيْعِ الْكَلَابِ إِلَّا كَلْبَ الصَّيْدِ وَكَلْبَ الْمَاشِيَةِ وَالْحَائِطِ وَجَوَازِ بَيْعِ الْهَرِّ وَالِدَّوَابِّ » در این باب روایات در مورد سگی است که صید نمی کند، سگ های تزئینی نیز شکاری نبوده و ثمنش سحت خواهد بود. در این باب روایات صحیح و ضعیف وجود دارد که به روایات صحیح آن اشاره می شود:

وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْقَاسَانِيِّ عَنْ الرُّضَاعِ فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَثَمَنُ الْكَلْبِ سُحْتٌ. (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص: ۱۱۸).

سند روایت گرچه به جهت وجود سهل ممکن است خدشه شود ولی توثیقات فراوانی درموردش می توان یافت یکی از آنها ۱۸۰۰ نقل جلیلی مانند مرحوم کلینی از اوست. کسی که بیست سال بر روی کتابی وقت می گذارد، این تلاش بی نظیر را به جهت نقل از ضعیفی خراب نمی کند.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ ثَمَنِ كَلْبِ الصَّيْدِ - قَالَ لَا بَأْسَ بِثَمَنِهِ وَالْآخَرُ لَا يَحِلُّ ثَمَنُهُ.



دلالت روایت تمام است لا یحل تصریح به بطلان معامله است.
وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: ثَمَنُ
الْخَمْرِ وَ مَهْرُ الْبَغِيِّ وَ ثَمَنُ الْكَلْبِ الَّذِي لَا يَصْطَادُ مِنَ السُّحْتِ.
همان سند روایت قبل در این روایت تکرار شده است. روایات دیگری در
این باب مطرح شده است که عموماً بحث سندی دارد و یا ضعیف هستند. اما
دلالت آنها و روایاتی که مطرح شد به جهت کلمه سحت باید بررسی شود.

تبیین معنای سحت در روایات

مرحوم عیاشی در مورد سحت بودن کلب کلمه ای را اضافه می کند که
می تواند مارا در معنای سحت یاری کند.

الْعِيَّاشِيُّ فِي تَفْسِيرِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنِ الرُّضَّاعِ قَالَ سَمِعْتَهُ
يَقُولُ ثَمَنُ الْكَلْبِ سُحْتٌ وَ السُّحْتُ فِي النَّارِ. (وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص: ۱۲۰)
این روایت را به جهت ضعف سندی در روایات قبل مطرح نشد و به
عنوان تبیین معنای سحت می تواند کمک کند که سحت آیا همان حرام است
که عقوبت دارد و دال بر حکم وضعی بطلان است؟

لغویین سحت را چنین معنا کرده اند:
در العین آمده است: السُّحْتُ: كل حرام قبيح الذكر يلزم منه العار - نحو
ثمن الكلب و الخمر و الخنزير. (كتاب العين؛ ج ۳، ص: ۱۳۲). سحت هر
حرام و قبیحی است که یاد شود و از همین قبیل است عار و ننگ مثل پول
سگ و شراب و خوک

در مفردات راغب همین معنا آمده است و شواهدی را برایش ذکر می کند.
(مفردات ألفاظ القرآن؛ ص: ۴۰۰).

در نهاییه چنین آمده است: السُّحْتُ: الحرام الذي لا يحلّ كسبه، لأنه يَسْحَتُ البركة: أي يذهبها. (النهاية في غريب الحديث و الأثر؛ ج ۲، ص: ۳۴۵). سحت حرامی است که کسبش حرام نیست چون برکت را می برد.

آنچه از گزارش لغویین به دست می آید این است که سحت اسم مصدر است به معنای از بین برنده و یا مستاصل کننده است. این تعبیر می تواند دال بر حرمت باشد که به جهت اثر آن حکم به بطلان شده است. ثمن کلب می تواند مروت و دین را از بین ببرد. مانند ربا و رشوه. اما اینکه دال بر بطلان باشد گرچه در برخی از عبارات وجود داشت که سحت موردی است که کسبش حلال نیست. اما دال بر بطلان معامله داشتنش عرفی نیست چراکه حجام را نیز سحت عنوان کرده اند که دال بر کراهت شده است. بنابراین واژه سحت مجمل می شود.

مرحوم خوبی ظهور در سحت را قوی می داند و در موردی به دال بر کراهت بودن سحت اشاره می کند و آن مثل ثمن پوست های درندگان و یا اخذ اجرت بر تعلیم قرآن... (موسوعة الإمام الخوئی، ج ۲، ص: ۴۰۱).

این عبارت ایشان با بحث اذان اعلامی در تفاوت است: چون در روایت که اجر موذن را سحت بیان نموده اندن را اوضح دلالتا بر منع می داند و تعلیل می کند که سحت حرام شدید است. (موسوعة الإمام الخوئی، ج ۱۳، ص: ۳۷۴).

این تنافی در عبارات مرحوم آیه الله خوبی دیده می شود. مرحوم سبزواری به معانی مختلف سحت اشاره می کند: گاهی سحت مراد عنوان ثانوی از حرمت است ولی در عنوان اولی حلال است، گاهی سحت بالعرض است مثل خوردن در ماه مبارک رمضان و گاهی به هردو اطلاق می شود. (مذهب الأحكام (للسبزواری)، ج ۱، ص: ۸۱).



در نتیجه آنچه در ارتکاز فقها و اهل لغت دیده می شود سحت می تواند دال بر حرمت باشد و لی قرائن بر خلاف نیز دارد. به هر حال اگر در معنای سحت به نتیجه نرسیم تعبیر لایحل در برخی روایات مارا به حکم به بطلان معامله مطلق سگ هایی می کند که صید نمی کنند که سگ تزئینی نیز از جمله آنهاست. بنابراین حکم خرید و فروش سگ های تزئینی به مقتضای روایات بطلان خواهد بود.

اشکال اساسی به کبرای سیره عقلاء

بیانات سابق نمی تواند رادع از سیره باشد، اگر موردی بخواهیم رادعیت روایات و آیات را مورد لحاظ قرار دهیم ممکن است همین اشکالات و یا توجیهات مطرح شود؛ اما وقتی مجموع ادله شرعی را مورد لحاظ قرار می دهیم نه به صورت تکی به این نکته می رسیم نگهداری سگ امری مورد پسند شارع نبوده است. مجموع آیات در مورد سگ و یا روایات نهی از سگ بازی و یا نگهداری از حیواناتی مانند سگ ها که بدان اشاره شد می یابیم نظر شارع بر جواز نگهداری این موجودات نیست. گرچه ممکن است حرمت نرسیم چون حرمت عنوانی خاص است که دلیل خاص خود را می طلبد ولی برای رادعیت از سیره همین مقدار کافی است که شارع رضایت به این امر ندارد و موردی نداریم که شارع به این امر توصیه کرده باشد.

اشکال به صغرای سیره عقلاء

اولاً؛ اگر نتوانیم رادعیت روایات را بپذیریم، اشکال در صغری وجود دارد. تحقق این سیره عقلاء حتی در جوامع غیر اسلامی روشن است. چه تعداد از انسان های کره زمین در خانه خود سگ نگهداری می کنند و با آن به آرامش و سرور می رسند؟ از طرفی تعداد انسان هایی که با آن به آرامش و سرور می

بررسی حق الاختصاص
در خرید و فروش سگ های تزئینی
و حکم ثانوی نگهداری آن

رسند چه میزان است؟ قطعا تعداد سگ گردان ها و مالکین سگ های زینتی محدود است و آن قدر نیست که سیره راسخ عقلائی ایجاد کند.

ثانیا؛ از طرفی ذات سگ در عرف عقلاء و متشرعه مورد نکوهش است و مانند شیر نیست. شاهدش این است که اگر به انسانی شیر گفته شود افتخار می کند و اگر سگ گفته شود توهین تلقی می کند. گرچه در مورد روباه و گرگ و تمساح و مانند آن نیز چنین است اما سگ عنوان مثبتی نیست. از نظر شرع به جهت نجاست مورد لحاظ نیست و در سیره عقلاء به جهت عدم رعایت نکات بهداشتی یا سر و صدا ممکن است مثبت تلقی نشود و نتوان گفت سیره بر نگهداری و خرید و فروش و مسرت و آرامش در این حیوان وجود دارد.

ثالثا؛ مسرت و آرامشی که از این حیوان به دست می آید به جهت عدم فرزند آوری است که واقعی به نظر نمی رسد. عموما کسانی حیوان خانگی این چنینی دارند که فرزند ندارند ممکن است فرزند نیز داشته باشند ولی هدف اساسی از نگهداری و خرید و فروش این حیوانات سرگرم شدن و انس گرفتن و پر کردن وقت است که جایگزین فرزند خواهد شد. بنابراین سیره ای اگر شکل بگیرد به این غرض بوده که عقلائی نیست و شارع هم قطعا امضا نخواهد کرد و ادله فراوان توصیه به فرزند آوری و مصالح عقلائی فراوان آن رادع از این سیره خواهد بود.

نکته پایانی در مورد سیره

فارغ از اینکه صغرای این سیره در عقلاء روشن نیست، این سیره مستحدث نبوده تا امضا و ردع آن متفاوت باشد؛ بلکه نوع سگ مستحدث است



اما نگهداری خرید و فروش آن امری جدید نیست تا راه های تصحیح سیره های مستحدثت برایش پیموده شود.

دلیل دوم: بررسی حق الاختصاص در سگ های تزئینی

با توجه به اینکه اصل اولی و ثانوی خرید و فروش سگ های تزئینی بر بطلان است؛ می توان راهی برای تصحیح معامله سگ های تزئینی مطرح نمود. حتی اگر بیع آن اگر مورد نفی قرار گرفته باشد می توان بر آنها مصالحه یا هبه معوضه نمود.

مرحوم شیخ انصاری در مکاسب محرمه وقتی بحث دهن متنجس را مطرح می کند به این نکته اشاره می کند، گرچه معامله این موارد باطل است ولی مصالحه آنها صحیح است.

عبارت مرحوم شیخ انصاری چنین است: در مورد برخی نجاسات مانند مدفوع که ممکن است شخص جمع آوری کند تا در باغ خود استفاده کند. هدف از حیات انتفاع است و یا خواسته مالی از آن بدست بیاورد لذا در این موارد که حیات شده است به جهت انتفاع است و این موارد تحت اصاله الجواز داخل خواهد بود. (کتاب المكاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحدیث)، ج ۱، ص: ۱۰۷).

مرحوم شیخ انصاری قصد انتفاع و قصد حیات را به عنوان شرط مالیت مطرح می کند و داخل در اصاله الجواز می داند.

مرحوم آیه الله خویی در مورد شروطی که مرحوم شیخ مطرح می کنند معتقد است موارد حیات متفاوت است، مثلاً در مثل مساجد قصد حیات و انتفاع نیز سبب مالیت نمی شود چون با وقف نا سازگار است و در برخی موارد هیچ شرطی ندارد مانند چوب جمع کردن و صید کردن که به صرف

بررسی حق الاختصاص
در خرید و فروش سگ های تزئینی
و حکم ثانوی نگهداری آن

گرفتن و برداشتن حق الاختصاص ثابت است. بلکه اگر از مکان های عمومی است اگر چیزی را بر می دارد یا می گذارد باید قصد انتفاع داشته باشد. (موسوعه الإمام الخوئی، ج ۵، ص: ۳۲۴)

عموما محشین مکاسب (کتاب المكاسب (المحشی)، ج ۱-، ص: ۲۸۶) اصل ثبوت حق الاختصاص در این موارد را پذیرفته اند و نسبت به شروط مطرح شده اشکال نموده اند. اما سئوالی که پیش می آید این است آیا فروش و واگذاری این حق جایز است؟

عبارات فقها در خصوص معاوضه بر حقوق

حقوق بر دو نوع هستند:

حقوقی که معاوضه بر آنها صحیح است مانند حق شفعه و حق الخيار. حقوقی نیز وجود دارد که مختص خود افراد شارع وضع کرده است و به دیگری منتقل نمی شود چون نقض غرض از جعل حق می شود مانند حق رضاع که مختص به مادر است، یا حق اجازه پدر در نکاح دخترش که به جهت ولایت و خصوصیات پدر و مادری جعل شده است؛ اما در خصوص حق اختصاص بر اشیاء چنین نیست چون افراد عموماً این اشیاء را جمع آوری می کنند تا به منافع آن دست پیدا کنند مثلاً کسی که بیابان را تحجیر می کند غرضش رسیدن به منفعت مالی عقلائی است که در پس آن نهفته است، کسی که زودتر به بازار می رود تا جای بهتری داشته باشد غرضش منافع مالی عقلائی آن است. بنابراین می توان گفت موارد حق الاختصاص قابل فروش هستند.

عبارت برخی فقهاء در خصوص واگذاری این حقوق یا خصوص سگ ها چنین است:



تبیین نظریه شهید ثانی و سایر فقها در حقوق

مرحوم شهید اول حق هم خوابی را از حقوقی می داند که عوض بردار نیست چون عین و منفعت نیست تا مقابل عوض قرار گیرد، نظر مرحوم شیخ طوسی را نیز همین می داند و حتی سکوت مرحوم علامه را مشعر به تمریضیت می داند. نکته اساسی که به عنوان اشکال بر فرمایش مرحوم شهید اول اشاره می کند این است که معاوضه در خصوص عین و منفعت نیست بلکه می تواند این حقوق را مصالحه نمود مانند حق شفعه و تحجیر و بقیه حقوق.

شایان ذکر است مرحوم کلانتر حق اولویت در مسجد و مدرسه ای که متولی ندارد را نیز شامل این حقوق می داند. (الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)؛ ج ۵، ص: ۴۲۳)

مرحوم شهید ثانی همین نکته را در کتاب مسالک متذکر می شوند.

مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام؛ ج ۸، ص: ۳۴۱)

به نظر می رسد فرمایش مرحوم شهید ثانی درست باشد چراکه این حقوق در قبال مال هستند به غرض مالی جعل شده اند خانمی که عقد موقت برای کسی می شود غرضش عموماً مال است و حق شفعه و تحجیر نیز چنین است لذا مصالحه بر آن صحیح است اما بقیه حقوق که مرحوم کلانتر یاد می کنند چنین نیستند و نمی تواند مانند بقیه حقوق باشد.

مرحوم صاحب حدائق همین مسئله را در ذیل عبارت مرحوم محقق متذکر می شوند و عبارت مرحوم شهید ثانی در مسالک را یاد می کنند و روایت علی بن جعفر را نافی نظریه مرحوم شیخ طوسی می داند که قائل به عدم جواز معاوضه بر حق هم خوابی است. روایت علی بن جعفر چنین است:

بررسی حق الاختصاص
در خرید و فروش سگ های تزئینی
و حکم ثانوی نگهداری آن

«عن علی بن جعفر عن أخیه موسی ابن جعفر علیه السلام قال: «سألته عن رجل له امرأتان، قالت إحداهما لیلتی و یومی لک یوما أو شهرا أو ما کان، أ یجوز ذلک؟ قال: إذا طابت نفسها و اشتری ذلک منها فلا بأس». (الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة؛ ج ۲۴، ص: ۶۱۱-۶۱۲)

تعبیر به شراء در روایت مجاز است مراد همان صحت معاوضه است.

نظریه مرحوم صاحب جواهر

ایشان در ذیل مسئله مالیت در مهریه می نگارد: مهر کافی است از اموری باشد که معاوضه بر آن صحیح است و می تواند عوض قرار بگیرد فرقی نمی کند عین باشد یا آبرو باشد و یا منافع و یا حتی عمل و مانند آن، بلکه حتی می تواند حق مالی مهریه قرار بگیرد مثل حق تحجیر و مانند آن که معاوضه بر آن صحیح است. اما بقیه حقوق مثل حق دعوی (ظاهرا مراد حق وکیل گرفتن باشد) و قسم و خیار و شفعه و مانند آن نیز دو وجه وجود دارد چون تعبیر روایت ماماتراضیا علیه دارد؛ اما اگر غیر این موارد مهریه باشد بهتر است چون این موارد عوض صرف نیست و متعارف نیست که مهریه باشد چون اگر مثلا قبل از دخول طلاق بگیرند چگونه این موارد را میتوانند نصف کنند. گرچه می توان این موارد را قیمت گذاری کرد و یا مصالحه نمود. (جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۳۱، ص: ۷)

تفصیل بین حقوق مالی و غیر مالی در عبارت ایشان به وضوح دیده می شود که موارد مالی قابلیت مصالحه را دارند.

نظریه سید یزدی در مورد غرض عقلائی

مرحوم سید معتقد است: وصیت به هر چیزی که غرض عقلائی حلال در آن باشد صحیح است. چه عین باشد یا منفعت یا حقی که قابل نقل است.



برای عین مثالی به سگ ولگرد می زنند که غرض عقلائی ندارد اما بقیه سگ ها جایز است گرچه ما فقط بیع سگ صید را جایز میدانیم ولی بقیه سگ ها نگهبان و گله چون غرض عقلائی دارند می تواند به جهت فایده ای که دارند مورد وصیت قرار بگیرند. (العروة الوثقی (للسید الیزدی)، ج ۲، ص: ۸۸۹)

از فرمایش مرحوم سید به دست می آید هر غیر از سگ ولگرد که منفعتی ندارد بقیه سگ ها را می توان وصیت کرد و تحت کبرای غرض عقلائی قرار می گیرد.

نتیجه حکم اولی در نگهداری و خرید و فروش سگ های تزئینی

روشن شد که سیره عقلاء نمی تواند دلیل بر جواز خرید و فروش و نگهداری سگ های تزئینی باشد ادله شرعی و سیره متشرعه گرچه حیثی به نظر می رسد ولی حکم نجاست در آن امری نیست که حیثی جزئی و غیر مهم باشد و تاثیری در حکم نگهداری آن نداشته باشد می تواند رادع از سیره باشد و حتی در سیره های مستحدث نیز رادع بودن محرز است ولی از باب حق الاختصاص که دلیل دوم در جواز مطرح شد که جواز را ثابت می کند ولی تنها حکم جواز خرید و فروش را ثابت می کند و حکم نگهداری از آن را جایز می کند.

بررسی حق الاختصاص
در خرید و فروش سگ های تزئینی
و حکم ثانوی نگهداری آن

تبیین حکم ثانوی مسئله بر اساس مصالح و مفاسد

همانطور که بیان شد حکم اولی خرید و فروش سگ های تزئینی جواز است و می توان ادله ای را بر جواز آن اقامه نمود، اما در حکم ثانوی که دائر مدار مصالح و مفاسد است ممکن است مسئله تغییر کند. از نگاه فردی به مسئله نتیجه صحت را می توان به دست آورد. سگ های زینتی نجس هستند ولی حق الاختصاص دارند و می توان بر آن ها معاوضه واقع شود؛ اما برای

حکم شرعی این نگاه فردی کافی نیست و باید نگاهی جامع تر به مسئله نمود و تمام مصالح و مفاسد در آن را مورد لحاظ قرار داد. از این رو باید مسئله را با نگاهی کلان تر دید. خرید و فروش سگ های تزئینی به چه جهت رخ می دهد. غرض از آن چیست؟ آن مسرت و خوشحالی آیا برای جامعه مفید است یا مضر است؟ بنابراین اشاره ای به مفاسد و پیامد های مسئله می کنیم تا ابعاد حکم ثانوی این مسئله روشن تر گردد.

تبیین مواردی از مفسده حیوان آزاری

وقتی از علت خرید این سگ ها و هدف از آنها سؤال می شود، می یابیم هدف وقت پر کردن است به جهت بازی و رسیدگی و انس گرفتن است که جای خالی فرزند را پر کند یا اگر فرزند داشته باشند به عنوان اسباب بازی فرزند یا خود خریداری می شود که نوعی حیوان آزاری است. لباس بر تن سگ گردن به آرایشگاه بردن و این طور رسیدگی ها برای انسان لذت بخش است و معلوم نیست آن حیوان خلقتش چنین باشد. زبانی ندارد تا از او بپرسیم چه برایش لذت بخش است یا نیست. بنابراین مفسده حیوان آزاری در بیشتر مواقع وجود دارد.

البته اگر غرض عقلائی در برخی اعمال مانند کوتاه کردن و ناخن داشته باشد مانعی ندارد ولی پوشاندن لباس بچه گانه یا پوشک کردن حیوان و یا محصور کردن آن در خانه در قفس یا باکس مخصوص قطعا آزار اذیت حیوان است. در این خصوص به برخی از دستورات و فرامین شرع در خصوص حیوانات اشاره می کنیم بابتی را مرحوم شیخ حر عاملی در وسایل مطرح میکند تحت عنوان «بَابُ حُقُوقِ الدَّابَّةِ الْمَمْدُوبَةِ وَالْوَأَجِبَةِ» (وسائل الشیعه؛ ج ۱۱؛ ص ۴۷۸) که برخی از آن روایات چنین است:



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا سِتُّ حُقُوقٍ لَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَلَا يَتَّخِذُ ظَهْرَهَا مَجَالِسَ يَتَحَدَّثُ عَلَيْهَا وَيَبْدَأُ بَعْلَفَهَا إِذَا نَزَلَ وَلَا يَسِمُهَا وَلَا يَضْرِبُهَا فِي وَجْهِهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ. (الكافی (ط - الإسلامية) ؛ ج ۶ ؛ ص ۵۳۷)

فرمود: حیوان بر صاحبش شش حق دارد، بیش از توانش سنگینی نکند، پشتش را نشیمن نکند و روی آن حرف بزند، وقتی ایستاد اولین کارش علوفه حیوان باشد، به او تجاوز بدنی نکند و به صورتش نمی زند، زیرا او نیز تسبیح می کند و وقتی از آب می گذرد به او آب دهد.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلدَّابَّةِ عَلَى صَاحِبِهَا خِصَالٌ يَبْدَأُ بَعْلَفَهَا إِذَا نَزَلَ وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ وَلَا يَضْرِبُ وَجْهَهَا فَإِنَّهَا تُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهَا وَلَا يَقِفُ عَلَى ظَهْرِهَا إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يُحْمَلُهَا فَوْقَ طَاقَتِهَا وَلَا يُكَلِّفُهَا مِنَ الْمَشْيِ إِلَّا مَا تُطِيقُ. (وسائل الشيعة ؛ ج ۱۱ ؛ ص ۴۷۸)

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: حیوان نسبت به صاحبش خصوصیات خاصی دارد: وقتی از اسب پیاده می شود شروع به غذا دادن به او می کند و وقتی از آنجا می گذرد به او آب می دهد و به صورتش نمی زند. حمد پروردگارش را تسبیح می گوید و او جز برای رضای خدا بر پشت او نمی ایستد و او را بیش از توانش تکلیف نمی کند و راه رفتن را بر او تکلیف نمی کند مگر آنچه می توانید بایستید.

عَلَى بْنِ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ أَوْ يَصْلُحُ أَنْ يَرْكَبَ الدَّابَّةَ عَلَيْهَا الْجُلُجُلُ قَالَ إِنْ كَانَ لَهُ صَوْتٌ فَلَا وَإِنْ كَانَ أَصَمَّ فَلَا بَأْسَ. (وسائل الشيعة ؛ ج ۱۱ ؛ ص ۴۹۸)

علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام سؤال کرد از مردی که سوار حیوانی است که جغجغه بر آن دارد، گفت: اگر صدا دارد نه و اگر صدا ندارد اشکالی ندارد.

وجود برخی از مفاسد اجتماعی در نگهداری سگ ها

مفسده دیگر اجتماعی است. با توجه به آپارتمان نشینی نگهداری سگ و سر و صدای آن موجب آزار اذیت بقیه همسایگان است و ایذاء مومن صدق می کند و اگر مومن هم نباشند خلاف اصول آپارتمان نشینی است. قطعاً عده ای از مردم از این حیوانات می ترسند، گرداندن آن حیوان در خیابان که ممکن است باعث ترس و وحشت عده ای شود، صدق ایذاء مومن نموده و اگر موجب سقط یا سخته یا ضرری دیگر شود ضمان دارد و حکم تکلیفی حرمت قطعی است.

آلودگی صوتی: یکی از مشکلات رایج سگ گردانی، آلودگی صوتی است. سگ ها ممکن است وقتی با دیگر سگ ها یا انسان ها برخورد کنند واکنش نشان دهند و به ویژه در محیط های شهری این موضوع می تواند مزاحمت آور باشد.

نظافت و بهداشت: برخی سگ داران ممکن است در رعایت نظافت و بهداشت محیط کوتاهی کنند. این مسئله می تواند منجر به آلودگی محیط شود و برخی بیماری ها را برای انسان ها و دیگر حیوانات منتقل کند. ممکن است گفته شود با استفاده از واکسن و یا چکاپ حیوان این امر مرتفع شود ولی خطر احتمالی آن وجود دارد و شخص ممکن است متوجه نباشد که ممکن است حیوان بیماری داشته باشد که باعث نشر بیماری یا ایجاد بیماری جدیدی در دیگر افراد شود.



ایمنی عمومی: در برخی موارد، سگ ها ممکن است خطرناک شوند و به انسان ها یا دیگر حیوانات حمله کنند. این مسئله می تواند ایمنی عمومی را تهدید کند و باعث بروز ترس و نگرانی در جامعه شود.

وجود اسراف و تبذیر و تجمل گرایی در نگهداری سگ ها

یکی از اهدافی که ممکن است افراد برای نگهداری سگ داشته باشند تجمل گرایی است که امری نکوهیده است. گرچه در فقه تجمل گرایی موجب حکم حرمت نیست ولی در برخی هزینه ها در نگهداری و یا هزینه های صورت گرفته در آن موجب اسراف در مال و یا تبذیر در اموال باشد که غرض عقلائی هم ممکن است برای خود داشته باشد ولی رواج این امر در جامعه اسلامی و بدون نگاه به آن، حکم به جواز نمودن امری خلاف مصلحت بوده و حکم ثانوی جواز را در پی نخواهد داشت.

نتیجه

از مطالب فوق چند نکته را می توان نتیجه گرفت:

۱. سگ های تزئینی ولگرد یا هراش نیستند بلکه قسم جدیدی از سگ ها شمرده می شوند.
۲. در نگهداری این سگ ها گرچه غرض عقلائی مانند تزئین و یا مسرت و شادی و تفریح در آن متصور است اما واقعی نبوده و عنوان لهو و لعب مذموم در موردش وجود دارد و سیره متشرعه بر عدم نگهداری سگ هاست و از مجموع ادله شرعی می توان به دست آورد این شارع راضی به خرید و فروش و نگهداری از این حیوان نیست.
۳. اگر ملکیت این سگ ها پذیرفته نشود و شامل مخصص های عدم جواز نشود لا اقل حق اختصاص در مورد آنها وجود دارد و همین حق اختصاص را می توان معاوضه و یا مصالحه نمود؛ اما با توجه به مفاسدی

که در نگهداری از این حیوانات وجود دارد نمی توان حکم به جواز بیع آن داد. بنابراین حق الاختصاص صرف مالکیت را اثبات می کند ولی جواز خرید و فروش آن امری دیگر است که دلیلی بر آن وجود ندارد.



شماره سوم
پاییز و زمستان

۱۴۰۲



منابع

۴. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر، بیروت - لبنان، سوم، ۱۴۱۴ ه.ق.
۵. ابو الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ۶ جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۴ ه.ق.
۶. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائده و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ۱۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۳ ه.ق.
۷. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ ه.ق.
۸. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ۲۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۵ ه.ق.
۹. جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية فی غریب الحديث و الأثر، ۵ جلد، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم - ایران، اول، ه.ق.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ۶ جلد، دار العلم للملایین، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
۱۱. شیرازی، سید محمد حسینی، ایصال الطالب إلى المكاسب، ۱۶ جلد، منشورات اعلمی، تهران - ایران، اول، ه.ق.

۱۲. شیرازی، ناصر مکارم، أنوار الفقاهة - كتاب التجارة (لمكارم)، در يك جلد، انتشارات مدرسه الإمام على بن أبى طالب عليه السلام، قم - ايران، اول، ۱۴۲۶ هـ.ق.
۱۳. صاحب بن عباد، كافى الكفاة، اسماعيل بن عباد، المحيط فى اللغة، ۱۰ جلد، عالم الكتاب، بيروت - لبنان، اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۱۴. عاملی، شهيد ثانی، زين الدين بن على، الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية (المحشّ □ لى - كلاتر)، ۱۰ جلد، كتابفروشى داوری، قم - ايران، اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۱۵. عاملی، شهيد ثانی، زين الدين بن على، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم - ايران، اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۱۶. فراهيدى، خليل بن احمد، كتاب العين، ۸ جلد، نشر هجرت، قم - ايران، دوم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۱۷. قزوینی، سيد على موسوى، ينابيع الأحكام فى معرفه الحلال و الحرام، دو جلد، دفتر انتشارات اسلامى وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۱۸. لنكرانى، محمد فاضل موحدى، تفصيل الشريعة فى شرح تحرير الوسيلة - المكاسب المحرمه، در يك جلد، مركز فقهی ائمه اطهار عليهم السلام، قم - ايران، اول، ۱۴۲۷ هـ.ق.
۱۹. خويی، سيد ابو القاسم موسوى، مصباح الفقاهة (المكاسب)، ۷ جلد، هـ.ق.
۲۰. خويی، سيد ابو القاسم موسوى، موسوعة الإمام الخوئى، ۳۳ جلد، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئى ره، قم - ايران، اول، ۱۴۱۸ هـ.ق.



۲۱. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۳ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم، ه.ق.
۲۲. واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۴ ه.ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی